



بهره‌گیری از موسیقی درونی، بهره‌گیری از اسطوره و بهره‌گیری از طبیعت به‌منابه یکی از آیشخورهای رمانتیسیم اشاره کرد.

دردنظر بسیاری از ناقدان، محمود درویش شایسته‌ترین فرد برای دریافت جایزه نوبل ادبی در جهان عرب بود. او شهیرترین شاعر مقاومت است و شعرش نماد مبارزه و دربردارنده تاریخ ایستادگی در فلسطین است. / جام جم

فلسطین مشهور است. شعرهای او آمیزه عشق و وطن یکدیگر است. شاید آن‌که در میهنی زندگی می‌کند که از آرامش و آسایش سرشار است چندان ارزش و قیمت وطن را نداند اما کسی چون درویش آنگونه از رنج بی‌وطنی و اشغالگری آزار دیده که پیوسته از میهن می‌گوید و از آوارگی و تبعید و در بدری می‌نال.

کتاب «وطن من چمدان است» گزیده سروده‌های محمود درویش با ترجمه یدالله گوردی در کمتر از یک سال توسط نشر گویا به چاپ دوم رسید.

این مجموعه بیش از ۱۰۰ سروده از محمود سلیم حسین الدرویش شاعر نامدار فلسطینی را که با نام محمود درویش در جهان نامور شده، دربر می‌گیرد. این شاعر فلسطینی برای اشعار میهن‌پرستانه‌اش درباره

**تجدید چاپ کتاب**  
**«وطن من چمدان است»**

## ان فیلم «کت چرمی» با جام جم بررسی شد

# مینما باقا چاق دختران



سینمای جهان درس خواندم، این مسائل را می‌گویم و رویکرد آنها را می‌شناسم اما اگر بخوایم بدیختی و فلاکت را ببینیم، چرا باید به سینما برویم...؟ می‌توانیم به یکی از محلات شهر مراجعه کنیم و در گوشه‌ای نشینیم و به راحتی چند مورد را ببینیم، بنابراین، از آنجاکه نمی‌شود امید را از آدم‌ها گرفت، دغدغه اصلی‌ام از ساخت این فیلم، رجوع به یک امید و پرداختن به آدم‌هایی بود که خودشان مانند شخصیت اصلی داستان ما (جواد عزتی) دغدغه دارند. هنوز آدم‌هایی در بدنه نظام کار نمی‌ما به دنبال این هستند که امید و شور زندگی

در واقع من به عنوان کسی که در مهد

## کت چرمی یا «مرد بازنده» و «زخم کاری»

فیلمنامه کت چرمی در پاییز ۱۴۰۰ به دفتر آقای حجازی رفت و در آن زمان نه از مرد بازنده خبر داشتیم و نه فیلمنامه آن. ما در سال ۹۹ شروع به نوشتن فیلمنامه کردیم که تا سال ۱۴۰۰ طول کشید. اگر در این پروژه به جای جواد عزتی، محمد حسین وین و کامران حجازی اشخاص دیگری بودند، هیچ وقت این صحبت‌ها مطرح نمی‌شد. یان مثلث حضور این افراد در مرد بازنده این شاه‌بازی را به خود آورد. معتقدم جواد به خودمان ابرار دیگری که چرا قهرمان‌های این شکل در آن کم پیدا می‌شود. به عنوان قیاس مع الفارق باشد اما وقتی در سینما می‌گوییم «مجله جنس‌ها» مانند «هفت» بین حال هرکدام از این فیلم‌ها ژانر دارند. بنابراین، ژانر یک‌سری الگوها و تکنیک‌های بد در این اساس حرکت کنیم. اگر درباره مسیرهای قهرمان صحبت می‌کنیم که باز هم فرمول‌های مشخص است که ما در سینما دچار ضعف تعدد ژانر و قهرمان هستیم. فکر می‌کنم ما باید پیش‌قصر را فراموش کنیم و نیازی به آنها نداریم اما نیازی به این جنس از قهرمان با الگوی سفر داریم. وقتی این قهرمان در قالبی قرار نمی‌گیرد، تفاوتی ندارد و فرمول‌های آن یکسان میسر کند، ولی سفر قهرمان فرق می‌کند. بنابراین شاید اگر به جای این عوامل، اشخاص دیگری روی ماحوریت سفر قهرمان در سینمای ما وجود داشت، باز هم این صحبت‌ها مطرح نمی‌شد.



شاید احتمال داشت مخاطب نظری قائل بر تکراری بودن  
م نداشته باشد؟

طعا همین طور است. به دلیل این‌که مرد بازنده و که جرئی به  
صله یک سال از هم ارکان شدند و محمد حسین مهدویان هم  
برای زخم کاری را داشت، قطعاً نقش جواد عددی در ذهن مردم  
انده است. آقای مهدویان هم از یک جایی به بعد وارد موضوع  
سفر قهرمان شد اما چه فیلم‌های دیگری می‌توانیم مثال بزنیم  
الگوی سفر قهرمان دارند؟ اگر فیلم دیگری در این زمینه وجود  
داشت، ممکن بود بگویند شبیه آن فیلم است اما متأسفانه ما  
نیم دیگری در این ارتباط به‌دلیل فقدان تنوع سوز، داستان  
زائر نداریم. به‌رحال، وجود محمد حسین مهدویان و جواد  
زینی به‌طور ناخودآگاه اتفاق‌هایی را به وجود می‌آورد اما این  
این را در نظر داشته باشیم  
که درست‌ترین راه، کار  
کردن با کسانی است  
که غنچه‌های این قالب  
سینمایی را دارند

سینمایی را دارند

و آن را می‌شناسند. و محمدحسین مهدویان سینما را بلد است و من به این‌که مخالف یا موافق محتوای آثارش هستم، کاری ندارم. هیچ‌کس فیلم مهم «ایستاده در غبار» را نمی‌تواند کتمان کند و چرا نباید از چنین دره‌ی فمه‌ی کمک بگیریم؟... بنابراین، گاهی دلایلی که مطرح می‌شود، حرفه‌ای نیست و کاملاً مغرضانه است و شاید نوک پیکان این قصد و غرض به سمت من نیست و به سمت جای دیگری است اما فکر نمی‌کنم دلیل خوبی برای کار نکردن باشد. حتی بعضی دوستان با دروغ فیلم، کار را با اثر دیگری مقایسه کردند ولی با این‌که از این نظرات استفاده نمی‌کنم، معتقدم این مقایسه‌ها باید بر اساس واقعیت‌های تکنیکی، فرمی و محتوایی باشد.

❓ بعضی از منتقدانی که فیلم شما را دیدند، معتقدند که بخش مأمور اطلاعات - با بازی صابر ابر - چندان درنیامده و شاید این به دلیل نوع بازی صابر ابر یا چیدمان صحنه یا فضا سازی آن باشد. نظر شما در این رابطه چیست؟



یکی از معضلات سینمای ایران مربوط به موضوع فیلم‌هایی است که جشنواره‌های خارجی از ایران نمایش می‌دهند؛ یعنی این جشنواره‌ها چیزی از کارگردان ایرانی می‌خواهند که انگار هر قدر بدبختی و فلاتک آن بیشتر باشد، اقبال از آنها هم بیشتر است.

برای ساخت کت چرمی، بحث‌های زیادی در زمینه دریافت مجوز پروانه ساخت داشتیم؛ هرچند که با تأکید همیشگی ما به‌نظر تعامل و گفت‌وگوی خوبی همراه با اعتماد شکل گرفت. خدا را شکر تا الآن جواب اعتمادشان را هم نرفتند اما انعطاف باید دوطرفه هم از جانب فیلمساز و هم متولیان سینمایی باشد تا این تعامل شکل بگیرد. بنابراین، بخشی از ماجرای مأمور اطلاعات دستخوش تغییراتی از این جهت شد و شاید بیشتر از این امکان بر سرشخص کردن این شخصیت وجود نداشت و نمی‌شد به جنبه‌های دیگری از او پرداخت. شاید «قهرمان در سایه» که حواسش به اتفاقات اطرافش جمع است، درست‌ترین واژه‌ای باشد که بتوانیم در بک‌استریم ببریم. تا جایی که بتوان و سوادمان را به بی‌مسیری بردیم که دچار کلیشه‌های تافاقا یکی از دلایل انتخاب صابرا بر این بود که در مورد این نقش وجود دارد. دوری کیم و تفاوت‌تری از ابرای مخاطب به وجود می‌آوریم.

**هشدار در خصوص قاچاق دختران است  
بی مثل کت چرمی می‌توانند مخاطبان را**

اگر مسئولان سینمایی در واژگان فیلم‌هایی با موضوع اجتماعی، واژه سیاست‌نمایی و تکیه‌گرایی را حذف کنند و دنبال دغدغه‌های واقعی از جنس این فیلم‌ها باشند، به‌طور مطمئن تأثیرات بسیاری دارد؛ اما این که ما از این نمونه فیلم‌ها در سطح کشور داشیم که اتفاقی را رقم زد به دلیل «دابیره منیا» موجب تأسیس سازمان انقراض و من مل تصمیم‌گیری در بخش خرد و کلان شده است. معتقدم دغدغه فیلمساز باید همین باشد و در همین فیلم‌های اخیر «بی صدا» حلزون توانست مشکلات کاشت حلزون برای کودکان ناشنوا را مطرح کند و تلنگری بزند. به‌طور مطمئن نظیر این اتفاقات فیلم هم زاده تخمین من نیست و چیزی را این‌دانه و در جریان این قرار گرفته‌ام که این ایده به ذهنم رسید؛ هرچند ایده مرکزی مهمی که در دسترس دستخوش تغییرات دارد.

❓ آیا چیزی که روی پرده می بینید، راضی هستید؟  
فرهنگ ایرانی از داستان های کهن و ارزشمند «هزار و یکشب»  
سرچشمه می گیرد و پر از نویسنده و گنجینه ادبیات هستیم،  
اما اقتباس سینمایی نداریم و باید از این گنجینه در آثارمان  
استفاده کنیم.

**❓ آیا «کت چرمی» را با مخاطبان دیده‌اید؟ چه بازخوردهایی دریافت کرده‌اید؟**

من با بازخوردهای مختلفی روبه‌رو شدم که لطف بسیاری نسبت به فیلم داشتند و حتی پیام می‌دادند و در جاهای مختلف نظر و بعضی‌ها نقد می‌نوشتند. برخی دیگری می‌گفتند تکراری است، اما روند فروش و استقبال نشان می‌دهد مخاطبان هنوز دنبال این جنس سینما و تشرنه این شکل روایت هستند. اگر می‌بینی که ما به عنوان فیلمساز اجتماعی آسان بگیرند و همه چیز را در چارچوب سخت و سخت قرار ندهند، حتماً مخاطب خاضی می‌بیند و فیلم‌ها را دوست خواهند داشت و هیچ اتفاق خاصی هم نمی‌افتد.



## مکت

## سکوی پرتابی از «مأده» تا «ثریا»

سارا حاتمی، یکی از بازیگرانی است که در اواخر نوجوانی بخت با او یار بود و توانست با شرکت در کلاس های بازیگری به کیومرث مرادی به عنوان مسئول انتخاب بازیگر سریال «زخم کاری» معرفی شود. این اولین تجربه حضور حاتمی مقابل دوربین بود و دو سال پیش از این سریال در تئاتر فعالیت می کرد.

او در این سریال نقش دختری ساده و سردرگم به نام مانده را به عهده داشت که عاشق یکی از خویشاوندانش می‌شود و در این مسیر به واسطه کودرتی قدیمی که میان خانواده او و پسر مورد علاقه‌اش شکل گرفته، با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شود. او با وجود ترس از اسب، پیش از شروع فیلمبرداری حدود ۱۰ جلسه تمرین سوارکاری انجام داد و هر موقع هم احساس می‌کرد نمی‌تواند نقش خود را آن‌طور که باید در بیاورد، راهنمایی‌های جواد عزتی استفاده کرده است. نقش مانده سکوی پرتاب او تا نوبت «کت چرمی» می‌شود.

حاتمی یکی از ۱۴۰ نفری بود که برای بازی در نقش ثریا کت چرمی، تست بازگری داد که ابتدا با تدریحات حسین میرزا محمدی برای ایفای این نقش روبرو می‌شود. پس از آن که میرزا محمدی متوجه بعضی استعداد های دیده نشده حاتمی می‌شود، تدریس بدل به قطعیت در انتخاب نقش ثریا برای او می‌شود. بنابراین، حاتمی به گفته خودش، بدون هیچ پارتی بازی یا رابطهای وارد این عرصه شده است.

ثریا، نو جوانی درگیر اعتیاد به مواد مخدر است که به دلیل اتفاقاتی که برایش می‌افتد، پایش به خانه مأمور حراست بهزیستی عیسی فرهمندجواد عزتی) باز می‌شود و این سرآغازی برای شناخت او و مشکلاتش است. دختری که مادرش در آستانه اعدام است و جواد عزتی تلاش می‌کند تا فرجه‌ای از خانواده مقتول بگیرد و به این واسطه به کمک ثریا، رازهای سوءاستفاده از دختران را در دادگاه افشا کند. نقش حاتمی با نقشی که در زخم کاری بازی کرد، بسیار متفاوت است. اگر مانده زخم کاری، دختری ساده و بی‌شیله بیله بود.

اینجا تریا دختری است که اتفاقات مختلف زندگی و به خصوص اعتیادش او را هویشیار کرده و بلد است چطور قشنگ دروغ بگوید تا باور کنند و از خطر در امان بماند. حاتمیه برای این نقش، فیلم‌های بسیاری دید و به کمک‌های ارجمندی بسیاری سرزد و با افراد دیگر اعتیاد در ارتباط و تعامل بوده. او برای تک این‌ها در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر در بهمن ۱۳۹۱ برندهٔ سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن شد. اکثر منتقدان بازی او را درخشان و تأثیرگذار می‌دانند و اگر متصفانه هم نگاه کنیم، همین طور است اما نکته‌ای از این فیلم در خاطر کسانی که فیلم را دیدند، ماند و آن این‌که چرا وقتی حاتمیه در تمام لحظات فیلم نقش اول زن را به عهده داشته، جایزهٔ نقش مکمل زن را به جای جایزهٔ اول دریافت کرد؟... ما که هنوز پاسخی برای این سؤال پیدا نکردیم و شاید جوابش به تشخیص داوران جشنواره برگردد. البته بعضی معتقدند هم‌این‌که بازی‌اش را داوران جشنواره دیدند، کافی است و می‌تواند بال پروازی برای بازی‌های درخشان‌تر در فیلم‌های بعدی او باشد. به‌هرحال، حاتمیه در سینما شروعی تأثیرگذار داشته و امیدواریم این نهال جوان سینما در ادامه مسیرش، تبدیل به درختی تنومند شود.

**قَاب**



## ۲ دهه صد رنشینى كمدى

چند سالی است نبض سینمای ایران با  
اکران و فروش فیلم‌های کم‌دی می‌زند.  
۶۷ درصد پنج فیلم پرفروش هرسال  
دو دهه اخیر، کم‌دی بوده‌اند. سال  
۹۳ و ۹۶، دو سالی است که هر پنج فیلم،  
پرفروش‌های سال کم‌دی بوده‌اند.  
کم‌دی‌های پرفیض دو دهه اخیر به  
استثنای «فسیل» که اکران آن تاکنون  
چهار میلیون و ۲۵۰ هزار مخاطب داشته،  
«خارجی» (۲۴) با پنج میلیون و ۳۳۳ هزار  
مخاطب، «هزاري»  
با چهار میلیون و  
۲۲۰ هزار مخاطب  
«مطر» با سه  
میلیون و ۳۰۰ هزار  
مخاطب است.



## رویداد

## هفته فرهنگی ایران در مسکو

فقدارسیون روسیه در چارچوب اسناد رسمی موافقت‌نامه همکاری بین دو کشور و با هماهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو، میزان برگزاری این رویداد بزرگ که معرف فرهنگ و هنر ایرانی است، خواهد بود. این رویداد در بخش‌های مختلفی به‌پلم‌های آشنایی، انیمیشن، اجرای گروه موسیقی و... روه‌های استثنایی با هنرهای ایرانی برگزار شود. ن‌فرا از معاونان وزارت فرهنگ و ارشاد به همراه س‌س شورای اسلامی اعضای رسمی هیأت ایرانی در ه‌ند. هنرمندان منتخب شرکت‌کننده در این رویداد علاوه بر عرضه آثار خود، کارگاه‌های آموزشی نیز برگزار ن‌ فرهنگ و هنری شهرهای مسکو و سنت‌پترزبورگ ایرانی اختصاصی داده است. هفته فرهنگی ایران اسلامی و راینی فرهنگی ایران از ۱۳ تا ۱۸ تیر امسال برگزار می‌شود. مهر

**د رنگ**

## احسان یاسین در بوستان آب و آتش



در ادامه برنامه‌های هم‌نشینی و دوره‌های خانوادگی با عنوان «شبه‌های لیخنه» کنسرت‌های تابستانه، اجراهای استندآپ کمدی به همراه نورافشانی و برنامه‌های متنوع دیگر در منطقه می‌شود. از این رو چندی پیش احسان می‌عربی، انگلیسی و توری در بوستان آب کمدی برای مخاطبان برنامه اجرا کرد. پس از آن، مخاطبان حاضر را به وجد آورد. روناک در بوستان آب و آتش به سحنه کمدی را اجرا و مخاطبان را سرگرم کرد. آتش تا آخر شهریور با محوریت خانواده و جمعه‌ها ساعت ۱۸ برگزار می‌شوند. این محدود دارد و به‌تیر در بوستان آب منطقه می‌شود؛ به‌طور